

بررسی برنامه درسی مقطع ابتدایی در نظام آموزشی ایران بر اساس جایگاه تربیت اخلاقی

منظر غلامی^۱

^۱ کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور ایلام

چکیده

یکی از مسائل مهم، که تعلیم و تربیت معاصر با آن رو به روست، مسئله تربیت اخلاقی است. اهمیت تربیت اخلاقی در نظام آموزش و پرورش بخصوص دوران ابتدایی امری بدیهی و غیر قابل انکار است. مقطع ابتدایی یا همان دوران کودکی بهترین دوره سازندگی و تربیت اخلاقی است و بعد اخلاقی تعیین کننده مسیر زندگی و آینده کودک است. بنابراین جامعه ما بیش از هر چیز دیگری به نظام تربیتی صحیح اخلاقی، بخصوص برای کودکان نیاز دارد بنابراین گنجاندن برنامه درسی تربیت اخلاقی نقش بسزایی در پرورش اخلاقی و دینی کودکان دارد. از این رو پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و بر پایه مرور اسناد و منابع کتابخانه‌ای و با بررسی برنامه درسی مقطع ابتدایی در نظام آموزشی ایران بر اساس جایگاه تربیت اخلاقی انجام گرفته است. در ابتدا به تعاریف و مفاهیم پرداخته شده است و در ادامه اهمیت و کارکرد برنامه درسی تربیت اخلاقی مقطع ابتدایی مورد بررسی قرار گرفته است. سپس تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران، ارزش‌های حاکم بر آن و محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی در ۴ بعد ارزش‌های مرتبط با خدا، با خود، با خلق و با خلقت مورد بررسی قرار گرفت.

واژه‌های کلیدی: برنامه درسی، تربیت اخلاقی، نظام آموزشی ایران، آموزش ابتدایی

۱. مقدمه

آموزش و پرورش به عنوان متولی اصلی تعلیم و تربیت رسمی دانش آموزان این سرمایه های ارزشمند، نقش بسیار مهمی در تکوین شخصیت و ارتقای هویت دانش آموزان دارد. آموزش و پرورش با تاکید بر شایستگی های پایه، زمینه ساز دستیابی دانش آموزان به مراتبی از حیات طیبه در ابعاد مختلف است. مدرسه جلوه ای است از تحقق مراتب حیات طیبه، کانون عرضه خدمات و فرصت های تعلیم و تربیتی، زمینه ساز درک و اصلاح موقعیت توسط دانش آموزان و تکوین و تعالی پیوسته هویت آنان بر اساس نظام معیار اسلامی، در چارچوب فلسفه و رهنامه نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (سند تحول بنیادی، ۱۳۹۰: ۲۱).

یکی از مهمترین ابزارهای پرورش انسان مطلوب، تربیت اخلاقی است. به فرایند برانگیختن، فراهم ساختن و به کار بستن سازوکارهای آموزشی و پرورشی در جهت دریافت گزاره های اخلاقی، شناختن و شناساندن فضایل و رذایل، زمینه سازی برای ایجاد نگرش، روی آوردن به اخلاق حسنه و تقید، پایبندی و عینیت دادن ارزش های اخلاقی، به منظور رسیدن به سعادت و کمال جاودانه، تربیت اخلاقی اطلاق می شود. بنابراین، دانش تعلیم و تربیت، از داده ها و یافته های اخلاق بهره می گیرد و با سازوکارهای خود، نگرش و رفتار اخلاق را در افراد ایجاد کرده و آدمی را از خودمحوری رهایی بخشیده و به او رنگ خدایی می دهد (دادنام، ۱۳۹۰: ۴۰).

امروزه تربیت اخلاقی در همه کشورها به عنوان یکی از الزامات تعلیم و تربیت برای آشنا کردن دانش آموزان با ارزش ها و فضائل اخلاقی مورد توجه می باشد. به همین علت اندیشمندان در این قرن، تربیت اخلاقی را تنها تعلیم و تربیت شایسته و ضروری می دانند (کارور و همکاران، ۱۳۹۳).

تربیت اخلاقی از آنجا ضرورت می یابد که معمولاً میان خواسته ها و امیال متعدد مادی افراد و نیازهای اخلاقی و معنوی او تعارض، صورت می گیرد. از این رو، وی میان این تعارض ها مجبور به انتخاب می شود. بنابراین، تربیت اخلاقی فراگیر، امری ضروری است تا در این انتخاب، آنچه به نفع سعادت و رستگاری واقعی و الهی اوست، برگزیند. اگر تربیت اخلاقی فراگیر جدی تلقی نشود، در کشاکش دائمی میان ارزش های اخلاقی و تمایلات حیوانی، غالباً تمایلات حیوانی بر جنبه های اخلاقی غلبه پیدا می کند و آنها را از میدان خارج می سازد. ضرورت اخلاق و تربیت اخلاقی را از این زاویه هم می توان بررسی کرد که نتایج و دستاوردهای همه علوم، اینک در اختیار انسان است. حال اگر انسان از تربیت اخلاقی، روحی و معنوی برخوردار نباشد، از این دستاوردهای علوم نیز نمی تواند در جهت سعادت حقیقی و کمال واقعی خود بهره مند شود. علم، چراغ است، اگر در دست انسان نااهل باشد، زندگی مردم را به تاراج می برد و همه را به هلاکت می رساند (نجفی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۲).

در جهت گیری های کلان همه نظام های آموزشی برای عینیت بخشیدن به رویکرد خود در تربیت اخلاقی محتاج هستند که از چارچوب مشخصی پیروی نموده و نقشه راه صریحی را تعقیب نمایند که اصطلاحاً برنامه درسی تربیت اخلاقی نامیده می شود و به اشکال مختلف توسط متخصصین تعریف شده است در این مورد جینز (۲۰۱۷)، معتقد است که برنامه درسی تربیت اخلاقی در واقع منظومه ای است که در آن رویکرد کلی برنامه درسی اخلاق و عناصر وابسته به آن به طور صحیح مشخص می گردد و سازواری این عناصر با رویکرد و فرهنگ حاکم بر نظام آموزشی تضمین می گردد.

اهمیت تربیت اخلاقی در نظام آموزش و پرورش بخصوص دوران ابتدایی امری بدیهی و غیر قابل انکار است. اصولاً اخلاق و تربیت اخلاقی، یکی از ارکان اساسی فرهنگ بشری را تشکیل می دهد. تربیت اخلاقی نیز بخشی از برنامه تربیتی است که عهده دار شکوفایی استعداد های علمی و عملی اخلاقی دانش آموزان است (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۹: ۶۱). از آن جا که تمامی ابعاد وجود انسان از جمله رشد شناختی و عاطفی، کودک در هفت سال دوم یعنی (دوره ابتدایی) در حال پیشرفت و رشد است، و بر پایه مطالعات علمی دوره دبستان که مد نظر این پژوهش است، دوره ای با ثبات، آرام و همراه با سازگاری است که در آن بحران عمیق شخصیت دیده نمی شود و دوره عقل و دانایی و میل به زندگانی اجتماعی و فعالیت است و کودک آمادگی

لازم برای یادگیری و آموزش را پیدا کرده و این دوره مصادف با دوره تسلیم و تعلیم و تأدیب کودک است، که همزمان با آن با به عرصه دبستان و آموزش و پرورش رسمی می‌گذارد (کاردان، ۱۳۸۷).

جامعه ما با عنایت به اهداف و آرمان‌های متعالی خود، شأن و جایگاهی خاص برای تربیت اخلاقی قائل است؛ حتی گاهی توفیق در تربیت اخلاقی، مهمترین معیار ارزیابی عملکرد نهاد آموزش و پرورش به شمار می‌رود. با وجود این، ضعف و نارسایی‌های برنامه تربیت اخلاقی نهادهای رسمی و غیررسمی تعلیم و تربیت در جامعه ما بر کسی پوشیده نیست. با توجه به اهمیت دوره ابتدایی و نقش آن در تربیت‌پذیری و شکل‌گیری شخصیت و هویت دانش‌آموزان بنابراین، لازم می‌آید تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران به عنوان یکی از مهمترین ابعاد تربیت اسلامی، بیش از پیش مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد. پژوهش حاضر با روش توصیفی و تحلیلی و تکیه بر اسناد و مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی برنامه درسی مقطع ابتدایی در نظام آموزشی ایران بر اساس جایگاه تربیت اخلاقی می‌پردازد.

۲. تعاریف و مفاهیم

۱-۲. تربیت

تربیت اقسام فراوانی دارد و از آن جمله: تربیت بدنی، تربیت عقلانی، تربیت دینی، تربیت اخلاقی، تربیت جنسی، تربیت عاطفی، تربیت عرفانی، تربیت مدنی، تربیت اجتماعی و ... استاد مطهری در این باره می‌نویسد: تربیت پرورش دادن و به فعلیت رساندن تمامی استعدادها و ایجاد تعادل در هماهنگی میان آنهاست تا از این طریق متری به حد اخلاقی کمال برسد. (مطهری، ۱۳۶۷: ۳-۹). و به تعبیر یکی از نویسندگان غربی، تربیت در زمینه جسم و جان و روان انسان است و تمامی زمینه‌های وجود او را در بر می‌گیرد (حجتی، ۱۳۶۹، ۱/ ۴۰).

اتحادیه بین‌المللی آموزش و پرورش، تربیت را، فراهم کردن رشد کامل توانایی‌های هر شخص به عنوان فرد و نیز به عنوان جامعه‌ای مبتنی بر همبستگی و تعاون دانسته است. تربیت از تحول اجتماعی جدایی ناپذیر بوده و یکی از نیروهای تعیین کننده تحول است، بنابراین هدف تربیت و روش‌های آن باید به طور دائم با پیشرفت شناخت کودک و انسان و جامعه که حاصل علم و تجربه است، مورد بازنگری قرار گیرد (میالاره و ژان، ۱۳۷۰). تربیت عبارت از هر عمل یا فعالیتی است که دارای اثر سازنده بر روی جسم، روح، شخصیت و یا شایستگی مادی و معنوی فرد باشد (نیکزاد، ۱۳۷۵: ۱۱). این تعاریف در عین تعدد، در این جهت توافق دارند که تربیت، مجموعه تدابیر و روش‌هایی است که برای به فعلیت درآوردن ابعاد گوناگون انسان به کار گرفته می‌شود.

۲-۲. تربیت اخلاقی

می‌توان تربیت اخلاقی را این چنین تعریف کرد: برانگیختن، فراهم ساختن و بکار بستن ساز و کارهای آموزشی و پرورشی در جهت دریافت گزاره‌های اخلاقی و شناختن و شناساندن فضایل و رذایل و زمینه‌سازی برای ایجاد نگرش و روی آوردن به اخلاق حسنه و تقید و پایبندی و عینیت دادن ارزش‌های اخلاقی به منظور رسیدن به سعادت و کمال جاودانه تربیت اخلاقی نام دارد. بر این اساس، رسیدن به سعادت و کمال جاودانه تربیت اخلاقی نام دارد. بنابراین، در تربیت اخلاقی تلاش می‌شود با بهره‌گیری از دانش تعلیم و تربیت و یافته‌های تربیت اهداف اخلاقی را عینیت بخشید (مطهری، ۱۳۷۴).

ارکان این تعریف عبارت است از: ۱- انگیزش در جهت احساس نیاز نسبت به مسائل اخلاقی و تخلق به اخلاق حسنه. ۲- آموزش آموزه‌های اخلاقی و شناخت فضایل و رذایل. ۳- التزام، پای بندی و تقید به اخلاق حسنه و اعتقاد به پیراسته سازی دل و جان از اخلاق بد. ۴- توانایی در جهت عمل کردن اخلاق خوب و توانایی بر مهار خود از اخلاق بد. ۵- جهت گیری بر پایه رسیدن به سعادت و کمال جاودانه.

۲-۳- برنامه درسی

برنامه درسی فرایندی است رسمی یا غیر رسمی که از طریق آن، یادگیرنده با نظارت مدرسه، معلوماتی را کسب می کند و شیوه درک آنها را در می یابد، مهارت هایی را فرا می گیرد و نگرش، ارزش گذاری و ارزش ها را تغییر می دهد (شریعتمداری، ۱۳۷۵: ۵ و ۶).

از نظر گود (۱۹۵۹) برنامه درسی عبارت از یک برنامه کلی و عمومی در ارتباط با محتوای آموزشی که توسط مدارس به دانش آموزان ارائه می گردد تا در سایه آن یادگیرندگان قادر شوند صلاحیت های لازم را در خود بوجود آورده و برای ورود به حوزه های فنی و حرفه ای خاص آماده شوند.

برنامه درسی، در واقع همان برنامه آموزشی پیشنهادی است که بیانگر کشاندن یادگیرنده به سویی است که برای رشد وی ترجیح داده شده است و تکیه بر نظام ارزش ها دارد و برنامه درسی وسیله ای برای رسیدن به آرمان ها، تحقق هدف ها، و انجام دادن مقاصد تربیتی است (تقی پورظهير، ۱۳۸۵).

برنامه درسی با نتایج یادگیری سر و کار دارد، و نه تنها با هدف های از پیش تعیین شده، چرا که نتایج در مقام ارزشیابی می تواند در برگیرنده مواردی به جز هدف ها و نتایج قصد شده باشد و افراد مختلف ممکن است به شکل های مختلف تحت تاثیر مجموعه تدابیر از پیش تعیین شده قرار گیرند (مهر محمدی، ۱۳۸۹: ۱۳).

۳. اهمیت و کارکرد برنامه درسی تربیت اخلاقی مقطع ابتدایی

در آموزش و پرورش دوره ابتدایی برای دانش آموزان باید تعلیمات شایسته ای جهت زندگی اثربخش آنها در نظر گرفته شود. از این رو باید برنامه های این دوره با توجه به اصول ذیل تهیه و اجرا شود:

۱. با مراحل آموزش و پرورش این دوره هماهنگ باشد.
۲. با مراحل رشد کودکان این دوره هماهنگ باشد.
۳. با مدت تحصیل تناسب داشته باشد.
۴. با پیشرفت علوم و فنون هماهنگی داشته باشد.
۵. با امکانات اجرایی قابل حصول هماهنگی داشته باشد.
۶. به گونه ای تنظیم شود که علایق کودکان را به خود جلب کند.
۷. با روش های آموزشی این دوره هماهنگ باشد.
۸. متناسب با نیازهای زندگی کودک و جامعه باشد.
۹. بین محتوای مواد درسی هر پایه و نیز بین محتوای هر درس در پایه های مختلف، ارتباط منطقی برقرار باشد (صافی، ۱۳۸۵: ۵۴).

کارکرد برنامه درسی دوره ابتدایی به وسیله دو عامل اساسی تعیین می شود. از یک سو، میلیون ها کودک مدرسه رو در کشور وجود دارند. کودکانی با پتانسیل بسیار زیاد برای زندگی در جامعه، اما متفاوت از لحاظ توانایی و ظرفیت یاد گیری. از سوی دیگر، در جامعه، مسائل بی شماری وجود دارند که باید برای بهبود و غنی تر کردن زندگی انسان ها، کارهایی انجام بگیرد. از این دیدگاه برنامه ریزی درسی تفکر ابزار گونه ای است که این دو عامل اساسی را به هم پیوند می دهد. پس برنامه درسی دوره ابتدایی، شامل تجاربی است که کودکان از طریق آن به خود شکوفایی می رسند. یعنی در همان زمان یاد می گیرند که در ساختن جامعه خوب و برای بهتر زیستن همگان مشارکت کنند. بعضی دلالت ها و مفاهیم ضمنی این تعریف وسیع برنامه درسی در دوره ابتدایی از این قرار است:

۱. برنامه درسی تنها شامل تجربیات کودکان است. برنامه درسی تنها در کتاب های درسی یا در موضوعات درسی و یا در برنامه و علاقه و توجه معلمان به موضوعات و مسائل خاصی نیست. موضوعات یادگیری در واقع همان نقشی را دارند که نقشه جاده ها برای مسافرت لازم است. در ارزشیابی برنامه درسی بررسی دقیق کیفیت زندگی که پیامد برنامه درسی است، ضرورت دارد.
 ۲. برنامه درسی، فراتر از موضوعات درسی است که باید آموخته شود. گرچه انتخاب محتوای مفید و مناسب، مهم ترین مسئولیت برنامه ریزان درسی و معلم است، اما محتوا تنها برنامه درسی را تشکیل نمی دهد، مگر اینکه محتوا، بخشی از تجارب کودک باشد.
 ۳. مهمترین کار برنامه درسی، هدایت زندگی است. برنامه درسی باید محیط ویژه (به جای محیط بی نهایت وسیع) و نظام مند، بررسی شده و ساده برای مقاصد ویژه باشد.
 ۴. کار برنامه ریزان درسی، یادگیری تخصصی و آگاهانه است که برای هدایت استعدادها و علاقه های کودکان، به سوی مشارکت فعال و موثر در زندگی اجتماعی محلی و جامعه بزرگتر انجام می گیرد. هم چنین کار برنامه ریزان درسی کمک به کودکان در غنی تر کردن زندگی خودشان و مشارکت در به سازی جامعه از طریق آشنا کردن آنان با اطلاعات، مهارت ها و نگرش های سودمند است.
 ۵. مسئله برنامه ریزی درسی، تنها توجه به این نیست که کدام موضوع باید آموخته شود یا ذهن یاد گیرنده تقویت شود و یا دانش او افزایش پیدا کند، بلکه باید به بهبود زندگی فرد و اجتماع نیز توجه شود (تقی پورظهیر، ۱۳۸۵).
- برنامه درسی تربیت اخلاقی عبارت است از: برنامه ریزی برای چگونگی به کارگیری و پرورش استعدادها و قوای درونی - قابلیت های اخلاقی و هم چنین توسعه و تثبیت صفات و رفتارهای پسندیده اخلاقی، به منظور نیل به فضائل عالی اخلاقی و دوری از رذیلت ها و نابود کردن آن هاست. این برنامه ریزی شامل محتوای رسمی و غیررسمی، شیوه های تدریس، ارزش یابی و فضاهای تربیتی برای تحقق تربیت اخلاقی است (شاملی، ۱۳۹۰: ۸۰-۸۱). در این ارتباط حسنی (۱۳۹۵) برنامه درسی تربیت اخلاقی را این گونه تعریف می کند: از آنجاکه تربیت اخلاقی پدیده ای منتشر در تمامی ابعاد زندگی مدرسه ای است و تمامی تجارب مدرسه ای می تواند و استعداد آن را دارد که تبدیل به یک موقعیت تربیت اخلاقی شود برنامه درسی تربیت اخلاقی باید نسبت به تمامی این سازوکارها حساس باشد و از طریق برنامه درسی برای آن ها برنامه ریزی کرده و جهت دهی نماید (حسنی، ۱۳۹۵: ۲۲).
- کریسجانسون (۲۰۱۶)، نیز در تعریف و صورت بندی برنامه درسی تربیت اخلاقی بعد از بسط قلمرو آن به تمام زیست مدرسه ای آن را به صورت فرایندی و در طی چند گام تشریح می کند. در گام اول جهت گیری کلان نسبت به تعریف اخلاق و مصادیق ارزش های اخلاقی - چپستی اخلاق - بر اساس فرهنگ مسلط جامعه مشخص می گردد. در گام دوم فرایند شکل گیری اخلاق در افراد شناسایی شده و مؤلفه های اساسی رشد اخلاقی - را که شامل ادراک اخلاقی، دانش اخلاقی، عواطف اخلاقی، انگیزه اخلاقی، استدلال اخلاقی و عمل اخلاقی - و سطح توانایی و قابلیت یادگیری جامعه هدف مشخص می شود. طی شدن این دو گام بر طراحی برنامه درسی برای تربیت اخلاقی تقدم زمانی - منطقی دارد. در نهایت کریسجانسون معتقد است برنامه - درسی تربیت اخلاقی در واقع پروتکل و برنامه عملی است که با هدف نهادینه سازی ارزش ها و فضایل اخلاقی در سطح دانش، نگرش و مهارت فراگیران تدوین و طراحی می شود. (کریسجانسون، ۲۰۱۶: ۵۵-۶۳).
- برنامه درسی تربیت اخلاقی در مقطع ابتدایی، از سه جنبه برای فراگیران لازم و ضروری است: آرامش روانی فردی، آرامش اجتماعی و رسیدن به کمال مطلوب الهی. از جنبه فردی و آرامش روانی، ضرورت تربیت اخلاقی از این جهت است که روح را سالم می سازد و بهترین شیوه زندگی فراگیر را تعلیم می دهد. اخلاق، رذیلت ها را معرفی می کند و راه پرهیز از آنها را نشان می دهد. همچنین فضائل را می شناساند و راه به دست آوردن آن را معین می کند. در این سطح، بهداشت روانی فردی فراگیر، رعایت شده و وی نوعی احساس آرامش می کند. جنبه دیگر اخلاق، بعد اجتماعی آن است؛ یعنی اینکه اگر فراگیر به قواعد و احکام اخلاقی

پایبند باشد، نه تنها خودش احساس آرامش می‌کند، بلکه اجتماع هم از کردارها و رفتارهای پسندیده‌ی او احساس آرامش می‌کنند. پس اخلاق نیکو، مناسبات اجتماعی را بهبود می‌بخشد و فضای جامعه را با طراوت می‌سازد. جنبه دیگر ضرورت تربیت اخلاقی، پرورش استعدادها و شکوفاشدن آنها برای رسیدن به کمالات نهایی است؛ یعنی فراگیر مسلمان با اخلاص و عمل صالح، فقط به این انگیزه که خداوند متعال را خشنود سازد، به کارهای اخلاقی دست می‌زند. استمرار این نوع کار اخلاقی، به فرد، کمالات گرانقدری را هدیه می‌دهد. از جنبه دیگر، تربیت اخلاقی از آنجا ضرورت می‌یابد که معمولاً میان خواسته‌ها و امیال متعدد مادی افراد و نیازهای اخلاقی و معنوی او تعارض، صورت می‌گیرد. از این رو، وی میان این تعارض‌ها مجبور به انتخاب می‌شود. بنابراین، تربیت اخلاقی فراگیر، امری ضروری است تا در این انتخاب، آنچه به نفع سعادت و رستگاری واقعی و الهی اوست، برگزیند. اگر تربیت اخلاقی فراگیر جدی تلقی نشود، در کشاکش دائمی میان ارزش‌های اخلاقی و تمایلات حیوانی، غالباً تمایلات حیوانی بر جنبه‌های اخلاقی غلبه پیدا می‌کند و آنها را از میدان خارج می‌سازد. ضرورت اخلاق و تربیت اخلاقی را از این زاویه هم بررسی کرد که نتایج و دستاوردهای همه علوم، اینک در اختیار انسان است. حال اگر انسان از تربیت اخلاقی، روحی و معنوی برخوردار نباشد، از این دستاوردهای علوم نیز نمی‌تواند در جهت سعادت حقیقی و کمال واقعی خود بهره‌مند شود. علم، چراغ است، اگر در دست انسان نااهل باشد، زندگی مردم را به تاراج می‌برد و همه را به هلاکت می‌رساند (نجفی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۲).

۴. تربیت اخلاقی در نظام آموزشی ایران

بررسی اسناد نظام آموزش و پرورش در حوزه تربیت نشان داد توجه به تربیت اخلاقی پیش از انقلاب نیز مورد تأکید بوده است. مصوبات شماره ۲۷ و ۳۰ در سال ۱۳۰۲ و شماره ۸۶ در سال ۱۳۰۶ و شماره ۳۵۹ در سال ۱۳۱۶ و شماره ۴۲ در سال ۱۳۱۹ توسط شورای عالی معارف نشان از وجود این توجه به موضوع تربیت اخلاقی دانش‌آموزان دارد (حسینی روح‌الامینی، ۱۳۸۴). اسناد بعدی که در این مورد توسط شورای عالی فرهنگ و سپس توسط شورای عالی آموزش و پرورش به تصویب رسیده، نشان می‌دهد که اخلاق در سیاست‌های کلان نظام آموزشی تا پیش از انقلاب محمل توجه و عنایت بوده است (همان).

پس از انقلاب اسلامی نیز این تقاضا از مدرسه همچنان مورد تأکید است، چنانچه اسناد رسمی و بالادستی کشور بر این کارکرد اخلاقی تأکید زیادی داشته‌اند. اسناد مصوب نشان از وجود دغدغه تربیت اخلاقی به عنوان یک هدف کلان حاکمیتی و بالطبع هدف نظام تربیت رسمی و عمومی دارد. در اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تربیت اخلاقی یکی از معیارهای شهروند مطلوب جمهوری اسلامی تعریف شده است. در متن سند چنین آمده است: «جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز یک جامعه اخلاقی و متکی بر اصول اخلاقی» تصویر شده است.

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش کشور (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰) تربیت دینی و اخلاقی به عنوان محور تمامی برنامه‌های تربیتی در مدارس مطرح شده و به حق، بر سایر ساحت‌های تربیتی برتری یافته است. در سند طرح «کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران» در مؤلفه اهداف اخلاقی ۲۱ هدف خُرد فهرست شده است. همچنین در خصوص تربیت اخلاقی، اسناد شورای عالی آموزش و پرورش پیش از تدوین و تصویب اسناد تحولی، محدود به ارائه اهداف کلی تربیت اخلاقی بوده است. در مبانی نظری سند تحول که به تبیین بنیادهای نظری سند تحول بنیادین پرداخته است، الگوی نظری ساحت تربیت اعتقادی عبادی و اخلاقی تشریح شده است (صادق زاده، حسینی، کشاورز و احمدی، ۱۳۹۰).

چیستی تربیت اخلاقی از دیدگاه نظام تربیت رسمی و عمومی، یعنی ماهیت تربیت دینی و اخلاقی و ویژگی‌های آن. از دیدگاه کارشناسان و متخصصان تعلیم و تربیت با تربیت دینی، تربیت اخلاقی هم صورت می‌گیرد. از این دیدگاه، دین پدیده‌ای شامل و جامعی است که همه شئون حیات آدمی را در برمی‌گیرد که یکی از این شئون، شأن اخلاقی است. در طرح کلیات نظام آموزش و پرورش ذیل اصل «اولویت تعلیم و تربیت دینی» چنین آمده است که «تربیت دینی و اخلاقی از اولویت برخوردار است و آموزش‌های دینی و اخلاقی با تربیت عمل دینی و اخلاقی همراه است» (حسینی، ۱۳۹۵). در راهنمای برنامه درسی تعلیم و تربیت اسلامی دوره ابتدایی مورخ ۱۳۸۰/۴/۲۷ در بخش اهداف بند ۵ آمده است که: «آشنایی با اهم امور اخلاقی و آداب اسلامی مورد نیاز در

زندگی کودک» که این هدف در جدول وسعت و توالی محتوا برای هر چهار پایه (یعنی دوم، سوم، چهارم و پنجم) بسط داده شده است، دقت درون مفاهیم پیوستگی بین درس اخلاق و دینی را بیشتر نشان می‌دهد. مفاهیم اخلاقی هر پایه به این شرح مرتب شده است.

پایه دوم: آشنایی با آداب اسلامی سلام کردن، پاکیزگی و آداب خوردن و آشامیدن و آشنایی با نتایج راست گویی؛

پایه سوم: آشنایی با مفهوم حجاب و پوشش؛

پایه چهارم: آشنایی با وظایف یک مسلمان در برابر خویشان و دوستان؛

پایه پنجم: آشنایی با برخی آداب معاشرت و ...

موضوعات اخلاقی پایه‌های اول و دوم نشان می‌دهد که تربیت اخلاقی در بستر و بافت دینی دنبال می‌گردد. از این روست که تربیت اخلاقی با تربیت دینی و حتی درس دینی گره خورده است.

هویت برنامه درسی تربیت اخلاقی، به اهدافی است که دنبال می‌کند. هدف یا آرمان نهایی برنامه درسی تربیت اخلاقی، باید با این نگاه به انسان که او موجود شریفی است که برای هدفی شریف خلق شده است، ترسیم شود.

هدف نهایی تربیت اخلاقی، افزایش مراتب و درجات قلبی است که در سایه معرفت الهی، تحصیل علم و آگاهی از آنچه باید به آن متخلّق شویم و تقویت گرایش نسبت به چیزهایی که متخلّق شدن به آنها لازم است و از بین بردن موانع تکامل و عوامل سقوط انسان، که تحت عنوان کلی «هوای نفس» از آن یاد می‌کنند؛ از این رو، با فراهم کردن این مقدمات، شخص شایستگی لازم را برای تقرب به خدا پیدا می‌کند. بنابراین، در هدف‌گذاری و آرمان‌گزینی، توجه به چند نکته ضروری است: ۱. برنامه درسی باید به عنوان یک نقشه راه در خدمت رشد، تکامل، توسعه و پرورش استعدادها، توانمندی‌ها، قدرت تجزیه و تحلیل، و تطابق علم و عمل در فراگیران باشد؛ ۲. آرمان تربیتی برنامه درسی باید منجر به پرورش انسان خردمند شود؛ انسانی که در اثر ایمان و تزکیه، صاحب بصیرت شده و با هشیاری قدم به عرصه تربیت خویش می‌گذارد. ۳. قلمرو اهداف تربیت اخلاقی در برنامه درسی نباید به تبیین منازعات و مشاجرات ذهنی و نظری دیدگاه‌ها ختم شود، بلکه در ترسیم اهداف باید به جنبه‌های عملی اخلاق توجه خاص شود. در برنامه درسی باید راه‌های وصول به الله، اعتقاد به خدا، جاودانگی نفس و قرب الی الله تبیین شود. ۴. اگر برنامه‌ریزان خواهان عملی شدن اهداف برنامه درسی و تربیت اخلاقی هستند، لازم است در حد متعادل و نه افراط یا تفریط گونه به ویژگی‌ها و خصوصیات آحاد فراگیران توجه شود (شاملی و همکاران، ۱۳۹۰).

۵. ارزش‌های حاکم بر برنامه درسی تربیت اخلاقی

ارزش‌شناسی در زمینه اخلاقی به طور مستقیم با فعالیت‌های تربیتی ارتباط دارد. بی‌تردید ارزش‌ها، به ویژه ارزش‌های اخلاقی، رکن اساسی زندگی آدمی را تشکیل می‌دهند. ارزش‌ها مانند دیگر امور، هم جنبه فردی دارند و هم در عرصه اجتماعی ظاهر می‌شوند. برخی از محققان ده رویکرد را در تربیت اخلاقی معرفی کرده است که عبارتند از:

۱. رویکرد غیرمستقیم یا رویکرد تلویحی و ضمنی: بدین معنا که عقاید مذهبی و ارزشی باید به صورت تلویحی و ضمنی در برنامه درسی گنجانده شود؛

۲. رویکرد مبتنی بر تأکید بر جنبه‌های ذهنی اخلاق و ارزش‌ها: رویکرد شناختی پیازه نمونه‌ای از این رویکرد است؛

۳. رویکرد اخلاق مراقبتی یا رویکرد مسئولیت اجتماعی؛

۴. رویکرد پیامدگرا: که به اثر و علت رفتارهای اخلاقی توجه دارند، نه به اصول و قواعد اخلاقی؛

۵. رویکرد الهیاتی: که رفتارهای اخلاقی را امری فراانسانی می‌داند؛

۶. رویکرد علمی: این رویکرد به آثار بیرونی و عینی رفتارهای اخلاقی توجه کرده و آن را ملاک داوری می‌داند؛

۷. رویکرد تبیین ارزش‌ها: این رویکرد معتقد است تنها باید ارزش‌ها را برای دانش‌آموزان تبیین کرد و از تلقین آنها خودداری کرد؛

۸. رویکرد تحلیل ارزش ها: این رویکرد معتقد است تنها باید دانش آموز بتواند چرایی ارزش های اخلاقی را توجیه کند و این بهترین راه برای آموزش اخلاق است؛
 ۹. رویکرد روان تحلیل گری: بر اساس این رویکرد، رفتارهای انسان ریشه در ناخودآگاه او دارد و باید تحریکات ناشی از آن کنترل شود؛
 ۱۰. یادگیری اجتماعی: این رویکرد معتقد است انسان از راه مشاهده رفتارهای تقویت شده، انجام رفتارهای اخلاقی را می آموزد. بنابراین، آموزش مستقیم، الگوسازی، تقلید و تقویت، نقش مهمی در تربیت اخلاقی دارند (داوودی، ۱۳۸۵).
- هر کدام از این رویکردها دارای پیامدهای مثبت یا منفی مخصوص به خود می باشند؛ تا آنجا که هیچ کدام از آنها به تنهایی برای رسیدن به هدف مناسب نیست. بنابراین، برای تربیت اخلاقی نباید به یکی از این رویکردها بسنده کرد، بلکه به ترکیبی از رویکردها نیازمندیم.
- در ادامه ارزش های حاکم بر تربیت اخلاقی در زمینه عرصه های چهارگانه خدا، خود، خلق و خلقت اشاره می کنیم (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۱).

۱-۵. ارزش های مرتبط با خدا

توحید، قرب الی الله، عبودیت و حیات پاک در رأس همه ارزش ها قرار دارند و مصداق حقیقی غایت زندگی انسان هستند. انس و التزام عملی به قرآن کریم، دوستی عترت و اهل بیت عصمت و طهارت، تولا و تبرا، امر به معروف و نهی از منکر از جمله راه های مهم در جهت رسیدن به حیات طیبه اند. عبادت آگاهانه و پرستش عاشقانه خداوند سبحان، نقش بنیادین در رشد و تعالی انسان دارد.

۲-۵. ارزش های مرتبط با خود (جسمی، روانی و روحی)

عمل مبتنی بر ایمان و تفکر، کسب روزی حلال، حفظ و ارتقای سلامت و بهداشت فردی، برخورداری از حیا و عفت، آراستگی ظاهری و پوشیدن لباس مناسب، فعالیت و تلاش و پرهیز از بطالت و بیکاری، پرهیز از اسراف و زیاده خواهی، حفظ عزت نفس و کرامت انسانی، پایبندی به احکام شرعی به ویژه انجام واجبات و ترک محرمات، از جمله مهم ترین ارزش های مرتبط با حیطة خود برشمرده شده اند.

۳-۵. ارزش های مرتبط با خلق (خانواده، جامعه و کشور، امت اسلامی و جامعه جهانی)

از جمله مهم ترین این ارزش ها در چهار قلمرو خانواده، جامعه و کشور، امت اسلامی و جامعه جهانی می توان به مواردی از این دست اشاره کرد: ۱. احترام، احسان و مهرورزی به والدین و اعضای خانواده، ۲. احترام و خدمت به بزرگ سالان، ۳. محبت به خردسالان و توجه به نیاز و تربیت کودکان و رعایت حقوق آنان، ۴. احترام به قانون و قانون مداری بر مبنای قانون اساسی، ۵. توجه به آزادی مسئولانه و عدالت اجتماعی، ۶. همکاری، تعاون و مشارکت اجتماعی و احترام به آحاد جامعه، ۷. پاسداشت خدمات شخصیت های مؤثر در عرصه های مهم فرهنگی، اعتقادی، علمی و فناورانه، ادبی، سیاسی، هنری و اجتماعی در تاریخ و تمدن ایران و اسلام، ۸. احترام به مظاهر ملی (پرچم، سرود ملی، زبان فارسی و جشن های ملی)، ۹. وطن دوستی، ایثارگری، فداکاری و شهادت طلبی در جهت حفظ ارزش های الهی و کیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۰. ارتقای جایگاه علمی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و معنوی ایران در عرصه بین الملل، ۱۱. وحدت و هم بستگی میان مسلمانان، ۱۲. اهتمام و کوشش در جهت حل معضلات و مشکلات مسلمانان، ۱۳. مشارکت فعال در همکاری با مسلمانان جهان در امور فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، ۱۴. احترام به حقوق انسان ها در راستای تعمیم سعادت و ایجاد امید و آینده ای روشن برای همه انسان ها، ۱۵. احترام به پیمان های معتبر جهانی، ۱۶. احترام به ادیان الهی و تقویت روابط انسانی با پیروان آنها، ۱۷. گسترش فرهنگ گفت و گو و استفاده از روش های مسالمت آمیز در حل مسائل بین المللی مبتنی بر ارزش های توحیدی، ۱۸. و نهایتاً تلاش در جهت حل مشکلات جهانی از قبیل روابط ظالمانه، فقر، بیماری و تبعیض.

۵-۴. ارزش های مربوط به خلقت

۱. احساس مسئولیت در برابر پدیده های خلقت و همکاری در حفاظت از زمین، گیاهان و جانوران، ۲. نگاه به طبیعت به منزله مخلوقات خداوند و امانت الهی و کتاب معرفت، ۳. کشف قابلیت های طبیعت و بهره برداری عاقلانه و مسئولانه از منابع و مواهب طبیعی، ۴. علاقه به مراتب فوق طبیعت در هستی و برقراری ارتباط سازنده با آنها، ۵. توجه به استمرار و جاودانگی حیات انسان پس از مرگ و تأثیر سازنده آن در زندگی انسان.

با بررسی اهداف اخلاقی مصوب دوره ابتدایی می توان به نگاهی جامع نسبت به حوزه تربیت اخلاقی در دوران ابتدایی در کشور ایران دست یافت. این اهداف از این قرارند:

راست گو و امین است؛ مؤدب و مهربان است؛ به عهد خود پایبند است؛ مظاهر حیا و عفت در او آشکار است؛ احترام به بزرگ ترها را وظیفه خود می داند و به نظرات آنها توجه می کند؛ از والدین اطاعت می کند؛ شجاع و صبور است؛ تمیز است و پاکیزگی را دوست دارد؛ تکالیف شخصی روزانه خود را شخصاً انجام می دهد؛ برای رسیدن به موفقیت پشتکار دارد و تلاش می کند؛ پوشش اسلامی را دوست دارد و آن را رعایت می کند؛ اوقات فراغت خود را با فعالیت ها و بازی های مناسب پر می کند؛ امیدوار و بانشاط است و از مواجهه با مشکلات نمی هراسد؛ ظاهری آراسته دارد؛ خطا و اشتباه دیگران را درباره خود می بخشد؛ برای رفتارهای خود با دیگران دلیل دارد؛ در ارتباط با دیگران از کلمات محبت آمیز و دوستانه استفاده می کند؛ برای انجام کارهای خود، دوستانش را به زحمت نمی اندازد؛ به هم کلاسان و هم سالان خود در انجام وظایف یادگیری کمک می کند؛ در برابر رفتارهای ناپسند خود پوزش می خواهد و رفتار خود را اصلاح می کند؛ نظم و انضباط را در خانه، مدرسه و اجتماع رعایت می کند (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۷۹).

۶. محتوای تربیت اخلاقی در برنامه درسی ایران

برنامه ریزی درسی، یکی از اساسی ترین پایه های آموزش و پرورش هر کشوری را تشکیل می دهد. در این مرحله از فرایند آموزش است که اهداف مورد نظر نظام آموزشی قالب ریزی می شود و در چهار چوبی سازمان یافته و قابل اجرا در اختیار مجریان امر آموزش و پرورش قرار می گیرد. یکی از مهمترین بخش های برنامه درسی تربیت اخلاقی عنصر حساس و مهم محتواست. درباره محتوای برنامه درسی تربیت اخلاقی باید به ویژگی مهم و حساس آن اشاره شود. همان طور که در بحث از مقولات ناظر به چیستی تربیت اخلاقی بحث شد. تربیت اخلاقی به صورت یک موضوع درسی مستقل در نظام آموزشی ما ارائه نمی شود، بلکه گستره و حوزه وسیعی دارد که علی الاصول شامل تمام برنامه های درسی و حتی فعالیت های فوق برنامه می شود. بنابراین، اخلاق در این نگاه فراموضوع است.

روح و درون مایه اصلی نظام برنامه درسی کشور ایران از سال های آغازین شکل گیری تاکنون، روح موضوع محوری یا دیسیپلینی است، یعنی موضوعات درسی مجزا و مستقل و در کنار هم، تجارب یادگیری دانش آموزان را شکل می دهد. فهرست موضوعات درسی نشان دهنده رویکرد دیسیپلینی است در همه پایه های تحصیلی درس هایی چون: ریاضی، علوم، فارسی، قرآن، دینی، مطالعات اجتماعی جزء عنوان های اصلی درسی هستند که دانش آموزان برای ارتقای تحصیلی اند و تجربه کرده اند.

ذیل بخش هدف اخلاقی دوره ابتدایی نزدیک به بیست مضمون اخلاقی (چه به صورت فریضه یا تکلیف و چه به صورت بیان صفت و فضیلت) فهرست شده اند. در مراحل و مقاطع تحصیلی بالاتر نیز به همین سان فهرستی از مضامین و موضوعات ارزشی وجود دارد. به سخن دیگر، در انتخاب محتوا رویکرد آشکار نظام آموزشی رویکرد بسته فضایل یا سبد فضایل است. در این رویکرد بسته ای از فضایل که به باور تصمیم گیرندگان مناسب دانش آموزان است، انتخاب و به دانش آموزان عرضه می شود. ویژگی مهم رویکرد بسته فضایل در ایران گسترده بودن و تنوع مفاهیم آن است.

موضوع دیگر چگونگی توزیع این بسته فضایل در پایه ها و برنامه های درسی و فعالیت های مختلف مدرسه ای است. یعنی ارتباط عمودی و افقی بین مضامین ارزشی و اخلاقی. بررسی ها نشان می دهد نظمی تعریف شده بر آن حاکم نیست. میان گروه های برنامه ریز در دوره ابتدایی هماهنگی پیش بنیادی برای طرح حساب شده مضامین ارزشی با اولویت بیشتر دیده نمی شود.

سازماندهی محتوای اخلاقی در دوره ابتدایی می تواند به صورت های زیر ارائه شود:

۱. سازماندهی به صورت افقی: مفاهیم اخلاقی در همه دروس به طور همزمان به دانش آموزان ارائه داده می شود و بین آنها ارتباط و هماهنگی لازم وجود دارد. این ارتباط موجب می شود جنبه های گوناگون یادگیری همدیگر را تقویت کنند.

۲. سازماندهی بصورت برنامه پنهان (غیر مستقیم): فعالیت ها یا برنامه های غیر مستقیم (پنهان) مدرسه از جمله: بازدیدها، حضور در بعضی از مجامع و مساجد، کتابخانه ها، دیدن فیلم و نمایش های با موضوعات اخلاقی، زندگینامه ها، قصه، شعر، داستان و چهره های شاخص، زیارتگاه ها و محیط های طبیعی و ... همگی موجب توسعه تربیت اخلاقی فراگیر می شود.

۳. سازماندهی به صورت عمودی: در انتخاب محتوا می بایست بین مطالبی که قرار است انتخاب شوند ارتباط عمودی (طولی) وجود داشته باشد یعنی از ساده به مشکل و دارای ترتیب زمانی باشند.

۴. سازماندهی بصورت تلفیقی: در سازماندهی تلفیقی محتوای، مفاهیم و موضوعات درسی در قالب (موضوعی یا مضمونی) با یکدیگر تلفیق می شوند. برای حصول این امر با انتخاب (راهنمای موضوعی) مناسب و استفاده از آنها، مفاهیم کلیدی این راهبردها در هم می آمیزند. برنامه درسی تلفیقی به شخصیت یادگیرنده شکل داده و موجب افزایش یادگیری او می شود. شکل گیری شخصیت یادگیرنده از این حیث که یک نگاه کل نگر نسبت به مسائل پیرامون خود پیدا می کند و امکان تحلیل مسائل به صورت کلان برایش میسر می شود. از طرف دیگر یادگیری دانش آموز به زندگی واقعی نزدیک تر می شود. چرا که در زندگی روزمره اش مسائل را به صورت تفکیکی و جدا از هم نمی بیند، بلکه با آنها به صورت تلفیقی مواجه می شود. لذا رویکرد برنامه ریزی درسی تلفیقی، زمینه های معنادار کردن یادگیری را برای دانش آموز فراهم می کند (زرافشان، ۱۳۸۵).

در موارد مزبور، مسائل اخلاقی جزئی درونی از برنامه در تمامی مقاطع هستند و می توانند جزء برنامه هر کلاسی باشند. همچنین یادگیری از طریق تجربیات واقعی و اجتماعی، یادگیری مشارکتی و مشورت، بحث و شرح دادن هم کلاسی ها با یکدیگر در برنامه درسی وجود دارد.

نکته قابل توجه در تمام تلاش های انجام شده این است که برای رسیدن به هدف اساسی تربیت اخلاقی، راهی جز پرورش و رشد دادن توانایی فهم و درک فراگیران از ارزش های اخلاقی و رفتارهای درست و نادرست وجود ندارد. داگلاس (۲۰۰۲)، اصولی را درباره پرورش اخلاق معرفی می کند که عبارتند از:

۱. تربیت اخلاقی باید ارزش های واقعی اخلاقی را که پایه یک شخصیت خوب هستند فراهم سازد؛

۲. تربیت اخلاقی باید رویکردی جامع، منظم و هدفمند در رسیدن به ارزش های مهم در کل مدرسه داشته باشد؛

۳. تربیت اخلاقی باید تفکر، احساس و عمل را پرورش دهد؛

۴. مدرسه باید یک پایگاه مهم برای پرورش اخلاق باشد؛

۵. دانش آموزان باید فرصت هایی را برای اجرای ارزش های اخلاقی داشته باشند؛

۶. تمام دست‌اندرکاران مدرسه باید جو آموزشی را مرتبط با ارزش‌های یکسان و تقسیم مسئولیت پرورش اخلاق و هدایت دانش‌آموزان در فرآیند آموزشی توسعه بخشند؛
۷. وجود رهبران اخلاقی چه در میان معلمان و چه در میان دانش‌آموزان برای پرورش اخلاقی ضروری هستند؛
۸. مدرسه باید شرایطی را برای سهیم شدن خانواده‌ها و اجتماع در تربیت اخلاقی فراهم سازد؛
۹. باید از فعالیت‌های مدرسه در حمایت از تربیت اخلاقی دانش‌آموزان حمایت و سپاسگزاری شود (داگلاس، ۲۰۰۲: ۱۰۳-۱۰۸).

۷. نتیجه‌گیری

در نظام آموزشی ایران تربیت اخلاقی به عنوان یکی از اجزای تربیت دینی محسوب می‌شود که در کنار تربیت اعتقادی و عبادی از همان اوان کودکی مطرح می‌شود، چون از همان آغازین لحظه‌های تولد، مراتبی از عمل اخلاقی در کودکان قابل طرح است. اگرچه ممکن است این اعمال در قالب آداب بیان شده باشد؛ ولی از آنجاکه ادب، ناشی از اخلاق است، بنابراین، تأدیب نه تنها مرتبط با دوران اولیه زندگی نیست؛ بلکه باید عنوان کرد که در همه مراحل زندگی انسان وجود دارد و خود، جزئی از تربیت اخلاقی می‌باشد. اگرچه در برنامه درسی نظام آموزشی ایران، تربیت اخلاقی به مثابه یک موضوع درسی مستقل وجود ندارد، اما به صورت تلفیقی و در کنار اهداف دیگر کتاب‌ها قرار گرفته است؛ باین حال آن طور که باید به بحث تربیت اخلاقی پرداخته نشده است. در نگاه حاکم تربیت اخلاقی یک دیسپلین درسی نیست که مانند علوم و ریاضی که دارای یک برنامه درسی و کتاب و بسته آموزشی مشخصی باشد. تربیت اخلاقی جریانی گسترده و فراگیر تلقی شده است که باید در تمامی عرصه‌های زندگی مدرسه-ای نمود و بروز داشته باشد. تجارب ناظر به تربیت اخلاقی خاص و ویژه نیستند. در تدوین برنامه درسی تربیت اخلاقی باید به این نکته توجه نمود که تغییرات برنامه‌های درسی و محتوای کتاب‌ها باید جهت بهبود و به روز شدن محتوا با توجه به شرایط جامعه و اسناد بالادستی صورت بگیرد. کتاب‌های درسی در نظام آموزشی متمرکز به عنوان عنصر اصلی (محتوا) قلمداد می‌شود و تأثیرگذاری بسیاری بر فراگیران خواهد داشت. در برنامه ریزی درسی تربیت اخلاقی باید محتوای اخلاقی با اهداف تناسب داشته و در راستای تحقق اهداف باشد.

در تدوین روش‌های مؤثر آموزشی در الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی دوره ابتدایی، یادگیری باید مبتنی بر فعالیت‌های دانش‌آموزان باشد. مشارکت فعال آنها در امر یادگیری بسیار مهم است. این کار باعث می‌شود محتوای اخلاقی تنها از سوی برنامه‌ریزان درسی و یا معلمان در اختیار یادگیرنده گذاشته نشود بلکه خود یادگیرنده نیز از طریق فعالیت‌هایی که انجام می‌دهد به آگاهی‌ها، مهارت و نگرش‌هایی دست یابد.

در نهایت پیشنهاد می‌شود که اهداف مرتبط با تربیت اخلاقی در کشور ایران، متناسب با مقتضیات روان شناختی کودک و با نظر به مبانی ارزش شناختی و ارزش‌های حاکم بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، بازنگری و بازنویسی شوند و همچنین اهداف به گونه‌ای به تدوین برسند که قابلیت اجرایی شدن داشته باشند تا معلم و دانش‌آموز، هر یک بتوانند اهداف تربیت اخلاقی را اهداف خود بپندارند و در جهت اجرایی شدن آنها گام بردارند.

منابع و مراجع

۱. تقی پورظهير، علی. (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر برنامه ریزی آموزشی و درسی. تهران، انتشارات آگاه.
۲. حاجی ده آبادی، محمد علی. (۱۳۸۹). چشم اندازی به جایگاه و نقش اخلاق در آموزش و پرورش. ویژه نامه تربیت اخلاقی، انتشارات معاونت پژوهشی آموزش و پرورش، شماره ۱۴.
۳. حجتی، محمد باقر. (۱۳۶۹). آداب تعلیم و تربیت در اسلام. تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴. حسنی، محمد. (۱۳۹۵). بررسی رویکرد تربیت اخلاقی در نظام تربیت رسمی و عمومی دوره ابتدایی. مجله تربیت اسلامی، سال یازدهم، شماره ۲۲.
۵. حسینی روح الامینی، جمیله السادات. (۱۳۸۴). سیر تحول برنامه های درسی دوره ابتدایی و راهنمایی تحصیلی در ایران. تهران، نورالثقلین.
۶. دادنام، فاطمه. (۱۳۹۰). مبانی و راهکارهای تربیت اخلاقی در قرآن کریم. (پایان نامه کارشناسی ارشد)، مشهد: دانشگاه فردوسی.
۷. داوودی، محمد. (۱۳۸۵). رویکردها و پرسش‌های بنیادین در تربیت اخلاقی»، فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن معارف اسلامی سال دوم شماره دوم، ص ۱۷۵ - ۱۵۳.
۸. زرافشان، علی. (۱۳۸۵). برنامه ریزی درسی تلفیقی، چشم اندازها. فصلنامه تعلیم و تربیت. سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، شماره ۲.
۹. سند تحول بنیادین نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران در افق چشم انداز (۱۳۹۰) تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش
۱۰. شاملی، عباسعلی؛ ملکی، حسن؛ حمیدرضا کاظمی. (۱۳۹۰). برنامه درسی، ابزاری برای نیل به تربیت اخلاقی. اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال دوم، صص ۷۷-۹۸.
۱۱. شریعتمداری، علی. (۱۳۶۵). جامعه و تعلیم و تربیت. تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۲. شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۱). برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، شورای عالی آموزش و پرورش و وزارت آموزش و پرورش.
۱۳. شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۷۹). اهداف اخلاقی مصوب دوره ابتدایی، تهران، شورای عالی آموزش و پرورش.
۱۴. صادق‌زاده، علیرضا؛ حسنی، محمد؛ کشاورز، سوسن؛ احمدی، آمنه. (۱۳۸۸). بنیان نظری تحول راهبردی در نظام تربیت رسمی و عمومی، دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
۱۵. صافی، احمد. (۱۳۸۵). مسایل آموزش و پرورش ایران و راه‌های کاهش آن. تهران، نشر ویرایش.
۱۶. کاردان، محمد علی. (۱۳۸۷). مراحل تربیت. انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. کارور، نجمه؛ خوشبخت، فریبا؛ مزیدی، محمد. (۱۳۹۳). فهم آموزش اخلاق در مدارس ابتدایی شهر شیراز از دیدگاه معلمان پایه اول. پژوهش‌های برنامه درسی. (۴) ۲. ۱۳۱-۱۶۲.

۱۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۷). انسان کامل. تهران، انتشارات صدرا.
۱۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۴). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران، انتشارات صدرا.
۲۰. مهرمحمدی، محمود. (۱۳۸۹). بازشناسی حدود و ثغور موضوعی برنامه درسی به عنوان یک حوزه معرفتی. از مقالات مندرج در کتاب برنامه درسی نظرگاه ها، رویکردها و چشم اندازها (ویراست دوم). انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۱. میلاره گاستون؛ یال ژان. (۱۳۷۰). تاریخ جهانی آموزش و پرورش. ترجمه محمد رضا شجاع رضوی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی جلد ۱ و ۲.
۲۲. نجفی، حسن؛ جعفری هرنیدی، رضا و رهنما، اکبر. (۱۳۹۳). تحلیل محتوای بعد اخلاقی اهداف مصوب در کتاب های درسی دوره متوسطه ایران. معرفت اخلاقی، ۵(۱)، ۸۸-۱۰۶.
۲۳. نیکزاد، محمود. (۱۳۷۵). کلیات فلسفه تعلیم و تربیت. تهران، انتشارات کیهان.
1. Jainz, A. (2017). "The Re-emergence of Character Education in American Education Policy", American Journal of Educational Studies, 53, 239-254.
2. Douglas, J, Character education citizenship education and the social studies, The Social Studies.vol.93, issue3, P.103-108, 2002.
3. Kristjánsson, K. (2016). *Aristotelian Character Education*. London and New York: Routledge. Sandeep. K. (2015). Moral values education. *IOSR Journal of Humanities and Social Science (IOSR-JHSS)*, 20(3), 21-26.